



## حوادث

## جزئیات مرگ دلخراش «عاطفه» در چنگ جوان هوسران

گروه حوادث } دادستان عمومی و انقلاب ایرانشهر، از ارسال پرونده قتل وحشتناک «عاطفه» به دادگاه خبر داد.قاضی «خانی» درباره اقدامات صورت گرفته در این پرونده به خبرنگار روزنامه سیستان و بلوچستان گفت: متهم که از بستگان نزدیک دختر ۹ ساله (مقتول) است، در همسایگی خانواده وی زندگی می کرد که به قصد هوسرانی، او را ربود اما وقتی متوجه شد که دختر خردسال احتمال دارد ماجرای هوسرانی او را فاش کند، دست به جنایت زد و در اقدامی هولناک دختر کوچک را به قتل رساند. به گزارش «سیستان و بلوچستان» سی ام اردیبهشت خبر کم شدن دختر ۹ ساله ای به نام «عاطفه» فضای مجازی را لبریز از اظهارنظر و درخواست کمک کرد. طولی نکشید که کانال های تلگرامی نیز به نشر موضوع پرداختند تا این که ردپای یکی از بستگان عاطفه در این

ماجرا به میان آمد چرا که برخی شاهدان دخترک را ترک موتورسیکلت وی دیده بودند. مرد ۲۸ ساله متاهل که یک سال از ازدواجش می گذرد در حالی به این پرونده کشیده شد که جست و جوهای خانواده عاطفه برای پیدا کردن او بی نتیجه مانده بود. این گزارش حاکی است هشت روز از ماجرا گذشت تا این که خبر تلخی در شهر «دلگان» پیچید، عاطفه به طرز هولناکی به قتل رسیده و جسد او نیز به آتش کشیده شده بود بنابراین تنها مظنون این حادثه با صدور دستور قضایی بازداشت شد و مورد بازجویی قرار گرفت و در نهایت به قتل عاطفه با انگیزه هوسرانی اعتراف کرد.

ماجرا از زبان پدر عاطفه

پدر عاطفه درباره این حادثه به خبرنگار ما می گوید: پس از گذشت هشت روز از مفقود شدن فرزندم با خبر تلخی

### اخبار حوادث

رئیس اداره تعزیرات حکومتی ایرانشهر:

سوخت های قاچاق کشف شد

گروه حوادث } قاچاقچی سوخت در ایرانشهر ۵۵۳ میلیون و ۵۹۲ هزار ریال جرمیه شد. رئیس اداره تعزیرات حکومتی ایرانشهر به خبرنگار ما گفت: مأمورن پلیس آگاهی شهرستان هنگام گشت زنی در شهر به یک دستگاه خودروی تانکر دار مشکوک شدند که پس از توقف و در بازرسی به عمل آمده ۲۶ هزار لیتر گازوئیل کشف شد. مهدی کیخا» افزود: با تشکیل پرونده این اداره و بر اساس استعلام از دستگاه های مربوط، غیر قانونی بودن سوخت ها تأیید شد. وی افزود: شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز مطابق قوانین و مقررات تخلف را وارد دانست و قاچاقچی را علاوه بر ضبط سوخت های مکشوفه به پرداخت ۵۵۳ میلیون و ۵۹۲ هزار ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم کرد.

آزادی ۱۰ زندانی جرایم غیر عمد

۱۰ زندانی جرایم غیر عمد همزمان با ماه رمضان آزاد شدند. مدیرعامل ستاد دیه به خبرنگار ما گفت: از مجموع ۲۳ میلیارد و ۹۹۹ میلیون و ۵۵۰ هزار و ۳۰۰ ریال بدهی این افراد ۱۴ میلیارد و ۳۳۱ میلیون و ۱۴۱ هزار و ۴۲۳ ریال گذشت رضایت مندانه شکات بود. «رحمدل بامری» ادامه داد: ۶۴ مددجوی جرایم غیر عمد در زندان های استان در انتظار انفاق خیران هستند و سوانح رانندگی، مهریه، نفقه و محکومیت های مالی، شایع ترین جرایم زندانیان غیر عمد استان است.

۳/۸ تن فراورده خام دامی معدوم شد

سه هزار و ۸۸۸ کیلوگرم فراورده خام دامی شامل گوشت، مرغ، آلایش دامی و ماهی از ابتدای ماه مبارک رمضان در استان شناسایی و معدوم شد. مدیر کل دام پزشکی به خبرنگار ما گفت: طرح تشدید نظارت بر فراورده های خام

دامی ویژه ماه مبارک رمضان از ۲۷ اردیبهشت آغاز شد و به مدت یک ماه ادامه دارد. دکتر «مهدی حسینی» افزود: در این طرح ۳۶ گروه در قالب ۲۰ گروه سیار و ۱۶ گروه ثابت بر فراورده های دامی در ماه مبارک رمضان نظارت می کنند.

۸ کشته در تصادفات ۸ روز خرداد

تصادفات جنوب استان در هشت روز اول خرداد هشت کشته و ۳۵ زخمی بر جا گذاشت. فرمانده پلیس راه جنوب استان به خبرنگار ما گفت: این قربانیان طی ۲۸ تصادف در جاده های جنوب استان کشته شدند. سرهنگ «بدا... ستوده» بیان کرد: بی توجهی راننده به جلو، رعایت نکردن حق تقدم و انحراف به چپ از دلایل عمده بروز حوادث رانندگی این مدتبود. وی اضافه کرد: ۴۰ درصد تصادفات این مدت به واژگونی وسایل نقلیه، ۴۰ درصد به برخورد دو وسیله نقلیه با یکدیگر و ۲۰ درصد به موتورسیکلت اختصاص داشته است.



پدر عاطفه: پس از هشت روز از مفقودی فرزندم با خبر یافتن جسدش رو به رو شدیم

نیروی انتظامی و خانواده اش اطلاع دادند. پدر دادگار تصریح می کند: خانواده متهم چندین بار از طریق بزرگان فامیل درخواست کردند که ما را ببینند اما اجازه ندادم. در روزهایی که دخترم مفقود شده بود خانواده این فرد رفتارهای مشکوکی داشتند و گویا در جریان ماجرا بودند که اگر چنین بود انتظار داشتم خودشان پسرشان را معرفی کنند چون ما به جز همسایه بودن، فامیل نزدیک هم هستیم.



تیم ترور یستی در سراوان متلاشی شد

یک تیم تروریستی در سراوان متلاشی و مقادیر قابل توجهی سلاح سبک و نیمه سنگین و یک جلیقه انتحاری و چند تله انفجاری از آنان کشف شد. فرمانده انتظامی استان گفت: تیم های تکاوری پلیس در جوار منطقه عمومی سر سراوان با عوامل گروهک تروریستی ضد انقلاب در گیر شدند و یک نفر آنان را به هلاکت رساندند. به گزارش پایگاه خبری پلیس، سردار «محمد قنبری» ادامه داد: در این عملیات مقادیر قابل توجهی سلاح سبک و نیمه سنگین، چند عدد تله انفجاری و جلیقه انتحاری و مقادیر قابل توجهی مهمات از تروریست ها کشف شد. وی با بیان این که در این عملیات هیچ گونه آسیبی به نیروهای خودی نرسید اظهار کرد: عامل انتحاری گروهک تروریستی در این عملیات به هلاکت رسید.

### سایه روشن

دل باختگی در فضای مجازی

شهرکی } هنگامی که ایمان به خواستگاری ام آمد و فهمیدم به دلیل شرایط کاری مجبور است هر ماه به ماموریت برود دست و دلم لرزید. او را دوست داشتم و می دانستم سالم است، اما نمی توانستم با شرایط کاری اش خودم را وفق دهم. هنگامی که در این باره با او صحبت کردم گفت هر ماه ۱۰ روز مجبور به ماموریت کاری در شهرستان است و دیگر روزهای ماه کار چندانی ندارد. دلم را به دریا زدم و به او جواب مثبت دادم. دوسه ماه اول پس از ازدواج شرایط مساعد بود و کار ایمان همان گونه که قولش را داده بود پیش می رفت اما کم کم ماموریت های خارج شهر او بیشتر شد، به طوری که گاهی یک ماه تمام ماموریت بود و پس از یک ماه به زاهدان برمی گشت و بعد از ۱۰ تا ۱۴ روز دوباره به ماموریت می رفت. تحمل این تنهایی برایم سخت شده بود. ایمان حتی فرصت تماس تلفنی هم نداشت و همین بیشتر من را عصبی می کرد. روزها و شب هادر تنهایی به سر می بردم و حوصله انجام هیچ کاری را نداشتم. تمام سرگرمی ام گوشه و فضای مجازی بود. کم کم در یکی از کانال ها با جوانی آشنا شدم که خود را مشاور خانواده معرفی کرد، من هم که شرایط مساعدی نداشتم زندگی ام را برایش شرح دادم و همین سبب گسترش ارتباط من با او شد. با صدرا قرار ملاقات گذاشتم، او از من زیاد تعریف می کرد و می گفت همسرت نباید تورا با این همه زیبایی و کمال رها کند. من هم که مدت ها تشنه محبت ایمان بودم اما چیزی نصیب نشده بود، به صدرا نزدیک تر شدم تا این که دیگر دلم نمی خواست ایمان را پس از یک ماه دوری هم ببینم. رابطه من و همسر م سرد شده بود و او هم این موضوع را فهمید. تصمیم به جدایی گرفته بودم و می خواستم زندگی سرشار از عشق و علاقه را با صدرا آغاز کنم. ایمان هر چه تلاش کرد نتوانست من را از تصمیم منصرف کند. بنابراین جدا شدیم و منتظر صدرا بودم تا به خواستگاری ام بیاید. اما حضور او هر روز کم رنگ تر می شد و سرانجام پس از مدتی رفت و دیگر نتوانستم پیدایش کنم.

